



A Geostrategy Study of the Applications of Electricity for the Development of the Economic-Industrial Complex of Resistance Axis Countries

Siamak Tahmasebi^{1*}, Davood Karimipour², Hamidreza Fartookzadeh³

1. Assistant Professor, Department of Science and Technology, Faculty of National Defense, Supreme National Defense University, Tehran, Iran. Corresponding Author. Email: tahmasebysiamak@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Science and Technology, Faculty of National Defense, Supreme National Defense University, Tehran, Iran. Email: davoodkarimi17589@gmail.com
3. Associate Professor, Department of Management, Faculty of Management and Industrial Engineering, Malek Ashtar University of Technology, Tehran, Iran. Email: hr.fartookzadeh@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 06-05-2023
Accepted: 26-05-2023

Keywords:
Energy regionalism,
Islamic Republic of
Iran, Geoeconomy,
Geostrategy,
International political
economy.

Abstract

Economic interactions between the countries forming the axis of resistance have led to the formation of a new order in the geometry of the region. This can both counter the threats posed by the ISIS, as well as preventing the growth of the geopolitical influence of the enemies of the Islamic Republic and their aligned countries in the region. However, the strengthening of the interactions between the resistance axis countries and the alignment of other potential partners with this axis, requires strategic planning to prevent the collapse of this alliance, as well as deepening motivations for cooperation. The objective of this article is to propose geo-economic strategies for utilizing opportunities presented by electricity transactions in the region. This strategy can strengthen the strategic alliance between axis of resistance countries through plans which provide the foundation for industrial growth and development in the region, and are thus beneficial to all neighboring countries, thereby, taking a step towards meeting the geostrategic goals of the of axis of resistance. The research method of this article is based on conducting interviews with a panel of experts.

The results indicate that with the establishment of an electricity grid between these countries, the Islamic Republic of Iran will be responsible for supplying a part of the electricity needed by allies, and in return it can receive strategic agricultural or ore products.

Cite this article: Tahmasebi, S., Karimipour, D.; & Fartookzadeh, H. R. (2023). A Geostrategy Study of the Applications of Electricity for the Development of the Economic-Industrial Complex of Resistance Axis Countries. *Journal of Defense Economics & Sustainable Development*, 8 (27), 39-54.

 [20.1001.1.25382454.1402.8.27.2.1](https://doi.org/10.1001.1.25382454.1402.8.27.2.1)



© The Author(s) 2023. Published by Defense Economics Scientific Association of Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license)



کاربست انرژی برق در توسعه اقتصادی- صنعتی کشورهای محور مقاومت با رویکرد ژئواستراتژی و ژئواکونومی

سیامک طهماسبی^{۱*}، داود کریمی پور^۲، حمیدرضا فرتوکزاده^۳

۱. استادیار، گروه علم و فناوری، دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، نویسنده مسئول.

رایانامه: tahmasebysiamak@gmail.com

۲. استادیار، گروه علم و فناوری، دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

رایانامه: davoodkarimi17589@gmail.com

۳. دانشیار، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران.

رایانامه: hr.fartokzadeh@gmail.com

چکیده

تعامل کشورهای محور مقاومت نظم جدیدی در هندسه منطقه ایجاد کرده است که شاید مقابله با تهدید داعش از نتایج بارز آن بوده و از تغییر ژئوپولیتیک منطقه به نفع دشمنان ایران و کشورهای همسو، جلوگیری کرده است. لکن برای تداوم تعامل بین کشورهای موسوم به کشورهای محور مقاومت و حتی همسوسازی سایر کشورهای بالقوه، باید برنامه‌ریزی جدی‌تری داشت تا به واسطه تعمیق انگیزه همکاری، مانع فروپاشی اتحاد بین آنها شد. در این مقاله سعی بر این است تا از منظر ژئواکونومی و فرصت‌های استفاده از انرژی برق در منطقه اقدام به ایجاد اتحاد راهبردی بین این کشورها نموده و به واسطه طرح‌هایی که به نفع کشورهای همسایه می‌باشد، هم مقدمات رشد و پیشرفت صنعتی آنها را فراهم کرده و هم گامی در راستای تأمین اهداف ژئواستراتژی محور مقاومت برداشت. روش تحقیق این مقاله استفاده از پنل خبرگان بوده که با حضور خبرگان مرتبط برگزار شده است. از دستاوردهای مقاله می‌توان به معرفی فرصت انرژی برق برای اتحاد کشورهای همسو اشاره کرد به این شرح که با اتصال شبکه برق این کشورها، جمهوری اسلامی ایران بخشی از انرژی برق مورد نیاز کشورهای هدف را تأمین کرده و کشورهای مقابل هزینه آن را در قالب تولید محصولات راهبردی کشاورزی و صادرات آن به ایران یا تعاملات در حوزه معادن راهبردی پرداخت نماید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله علمی

تاریخچه مقاله:

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

واژگان کلیدی:

منطقه‌گرایی انرژی، جمهوری اسلامی ایران، ژئواکونومی، ژئواستراتژی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل.

استاد به مقاله: طهماسبی، سیامک؛ کریمی پور، داود و فرتوکزاده، حمیدرضا. (۱۴۰۲). کاربرد انرژی برق در توسعه اقتصادی- صنعتی کشورهای محور مقاومت با رویکرد ژئواستراتژی و ژئواکونومی، فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، ۸(۲)، ۳۹-۵۴.

20.1001.1.25382454.1402.8.27.2.1



ناشر: انجمن علمی اقتصاد دفاع ایران

© نویسندگان

۱. مقدمه

پیشرفت و توسعه کشورها ابعاد مختلفی دارد که عرصه اقتصادی - صنعتی از مؤلفه‌های مهم و پایه‌های اصلی است. برای نیل به چنین هدفی، سیاست‌ها و راهبردهای مختلفی مطرح می‌شود که استفاده از فرصت‌ها و داشته‌های کشور در کانون توجه سیاستمداران قرار می‌گیرد. برخی از فرصت‌ها ناظر بر فرصت‌های داخلی بوده و بعضی دیگر معطوف به فرصت‌های منطقه‌ای و تعاملات بین کشورها است که ذیل مباحث ژئواستراتژی و ژئواکونومی قرار می‌گیرد. «انرژی برق» نیز یکی از فرصت‌هایی است که توسط برخی کشورهای پیشرفته برای توسعه اقتصادی - صنعتی هم در بُعد داخلی و هم در بُعد بین‌الملل استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال «شبکه برق همزمان»^۱ در راستای ایجاد «مناطق متصل»^۲ در اتحادیه اروپا اولاً عاملی برای ایجاد امنیت پایدار بین کشورهای عضو شده که این امنیت پیش‌نیازی برای رشد اقتصادی است و نیز باعث شده تا منافع اقتصادی کشورها در هم تنیده شده و هم‌افزایی خوبی بین اعضا شکل گیرد. همچنین به‌عنوان مثالی دیگر برای نمونه می‌توان به ایده «بتکار کمربند - راه»^۳ چین اشاره کرد (چودوری،^۴ ۲۰۲۱) که البته اتحادیه اروپا هم ایده «دروازه بین‌الملل»^۵ را مطرح کرده است (فرنس و کایزر،^۶ ۲۰۲۲).

محیط همسایگی جمهوری اسلامی ایران براساس شاخص‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و امنیتی، ناهمگون و غیرمتجانس است. این عدم تجانس سبب شده تا مسأله منطقه‌گرایی در میان کشورهای این منطقه، همواره به‌عنوان یک فرایند ناتمام و ناقص باقی بماند. در این میان، به نظر می‌رسد تلاش‌های نظری برای آسیب‌شناسی منطقه‌گرایی در محیط همسایگی جمهوری اسلامی ایران بیشتر ناظر بر نظریه‌های سنتی و کلاسیک منطقه‌گرایی استوار شده، در حالی که به نظر می‌رسد محیط همسایگی جمهوری اسلامی ایران نیازمند توجه به رویکردهای جدید در منطقه‌گرایی است. منطقه‌گرایی انرژی از جمله رویکردهای مهم در منطقه‌گرایی جدید است که بنیان‌های نظری خود را فراتر از منطقه‌گرایی سنتی قرار داده است. فرایند منطقه‌گرایی از این نظر، تنها به بررسی نقش دولت‌ها نمی‌پردازد، بلکه معتقد است تا در کنار دولت‌ها، شرکت‌ها، نهادهای خصوصی و مردمی، جامعه مدنی و سایر نهادهای غیردولتی نقش چشمگیری در فرایند منطقه‌گرایی ایفا می‌کنند. لذا به نظر می‌رسد با توجه به عدم تجانس سیاسی و اقتصادی میان کشورهای همسایه ایران، تهران باید مدل‌های متفاوتی از همگرایی در میان کشورهای همسایه پیاده کند. ابزار انرژی به خوبی می‌تواند تبیین‌کننده مدل مطلوب منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران باشد.

¹ wide area synchronous grid

² synchronous zones

³ Belt and Road Initiative (BRI)

⁴ Choudhury

⁵ Global Gateway

⁶ Furness and Keijzer

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۲. مبانی نظری پژوهش

۱-۱-۲. ژئواستراتژی

واژه ژئواستراتژی^۱ ناظر بر روابط بین استراتژی (راهبرد) و عناصر جغرافیایی یک منطقه است. این مفهوم زیرمجموعه‌ای از ژئوپلیتیک بوده و نوعی سیاست خارجی است که عمدتاً توسط عوامل جغرافیایی هدایت می‌شود زیرا برنامه‌ریزی سیاسی و نظامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از منظر پیروز مجتهدزاده ژئواستراتژی اینگونه تعریف می‌شود «ژئواستراتژی عبارتست از مطالعه اثر عوامل استراتژیک محیط جغرافیایی منطقه‌ای و جهانی روی تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت‌ها و اثرگذاری‌های متقابل کشورها در ابعاد منطقه‌ای و جهانی، و سیاست‌های قدرت‌آفرین». دکتر عزت‌الله عزتی نیز ژئواستراتژی را اینچنین تعریف می‌کند: «ژئواستراتژی در حقیقت علم کشف روابطی است که بین یک استراتژی و محیط جغرافیایی وجود دارد». دکتر حافظ‌نیا ژئواستراتژی را «علم روابط ژئوپلیتیک با استراتژی دانسته و تأکید می‌کند که برای طراحی نظامی و شرکت مؤثر در جنگ یا حتی فهم صحیح استراتژی و تاکتیک نظامی، آگاهی از تأثیر عوامل جغرافیایی بر عملیات نظامی ضرورت دارد. بر اساس این رویکرد، ترکیب جغرافیا، مسائل جهانی و عوامل استراتژیک، مناطق جغرافیایی ویژه‌ای را شکل می‌دهد که از آن می‌توان به منطقه ژئواستراتژیک تعبیر نمود» (حسین پور پویان، ۱۳۸۵).

طبق نظر کیم و راثونت (۲۰۲۲) ژئواستراتژی بعد مکانی بکار رفته در ادبیات تجارت بین‌الملل را دربرمی‌گیرد و مفهومی است که در مطالعه سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی در رشته امنیت بین‌الملل استفاده می‌شود. این در درجه اول برای تحقیقات در مورد امنیت ملی، روابط بین دولتی، و رقابت قدرت‌های بزرگ به کار گرفته شده است (کیم و راثونت، ۲۰۲۲). گریگیل^۲ (۲۰۰۶) توضیح می‌دهد که ژئواستراتژی «جهت جغرافیایی سیاست خارجی یک دولت» است و «جایی که یک دولت تلاش‌های خود را با ارائه قدرت نظامی و هدایت فعالیت‌های دیپلماتیک متمرکز می‌کند».

باتوجه به تعاریف ارائه شده توسط اساتید فوق، می‌توان گفت از منظر ژئواستراتژی «موقعیت، سرزمین و جغرافیا» در اتخاذ راهبردها و نیز شکل‌گیری «قدرت ملی» تأثیر بسزایی دارد. البته باید توجه داشت که منظور از قدرت ملی، صرفاً ناظر بر قدرت نظامی نیست بلکه سایر وجوه قدرت مانند قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، قدرت صنعتی، قدرت فرهنگی و ... را نیز شامل می‌شود.

۲-۱-۲. منطقه‌گرایی انرژی

پیشران‌های منطقه‌گرایی از جنگ سرد تاکنون و به‌ویژه پس از جنگ سرد، تغییرات چشمگیری داشته‌اند. زمانی که فرایند جهانی‌سازی و جهانی‌زدایی در کنار یکدیگر قرار داده می‌شود، الگوی منطقه‌گرایی نوین چیزی

¹ Geostrategy

² Kim and Raswant

³ Grygiel

میان این دو فرایند قرار می‌گیرد. منطق منطقه‌گرایی قدیم براساس سه مؤلفه اصلی شکل گرفته است. نخست آنکه بهبود همکاری‌های منطقه یا در یک بازار بزرگ‌تر می‌تواند به افزایش تجارت و تقسیم نیروی کار منجر شود که در نهایت به ارتقای رشد اقتصادی یک منطقه کمک می‌کند. دوم. همکاری اقتصادی منطقه‌ای می‌تواند تفاوت‌های سیاسی را به حاشیه رانده و احتمال درگیری و برخورد نظامی را کاهش دهد. سوم. همگرایی منطقه‌ای می‌تواند در مقابل چالش‌های مشترک، پاسخ‌های واحدی خلق کند که از آن جمله می‌توان به سازوکار دفاع دسته‌جمعی و بهره‌برداری مشترک از منابع آبی اشاره کرد (وانگ^۱، ۲۰۲۰). عمده مطالعات صورت گرفته پیرامون منطقه‌گرایی، مبتنی بر دو رهیافت نظری کارکردگرایی و نوکارکردگرایی بوده که براساس تجربه منطقه‌گرایی در اروپا ترسیم شده است. به‌همین دلیل، بسیاری از اندیشمندان معتقدند این نظریه‌ها، براساس محیط جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اروپا پردازش شده و قابلیت انطباق بر سایر مناطق جغرافیایی را ندارند (مارشند، بواس و شاو^۲، ۱۹۹۹). در حالی که منطقه‌گرایی قدیمی، بیشتر مبتنی بر ابعاد اقتصادی-سیاسی شکل گرفته و بیشتر به عنوان راهکاری برای صلح منطقه ارایه شده‌اند در منطقه‌گرایی نوین که از دهه ۱۹۸۰ آغاز شده، ابعاد جدیدتری از همگرایی منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد (کولایی و سازمند^۳، ۱۳۹۳). از جمله موضوعاتی که در منطقه‌گرایی نوین بدان توجه شده، مسأله انرژی است. در منطقه‌گرایی نوین، انرژی که شامل حامل‌های اولیه و ثانویه است، به عنوان یک پیشران و بستر مناسب برای گردهمایی کشورهای حاضر در یک منطقه جغرافیایی قلمداد می‌شود. لذا پژوهشگران این مدل منطقه‌گرایی را با عنوان منطقه‌گرایی انرژی مورد بررسی قرار می‌دهند.

منطقه‌گرایی انرژی، از این واقعیت نشأت گرفته است که همکاری‌ها در بخش انرژی در مقیاس منطقه‌ای، موفق‌تر از همکاری‌های انرژی در سطح بین‌المللی است. در این میان، تبیین‌های نظری اندکی در مورد مفهوم و ادبیات نظری منطقه‌گرایی انرژی وجود دارد. مبتنی بر چارچوبی که هرمان و آریل ارایه می‌دهند، می‌توان گفت منطقه‌گرایی انرژی براساس سه بعد، چارچوب نهادی، زیرساخت و حجم تجارت منطقه‌ای مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. هر یک از سه بعد یادشده، دارای شاخص‌هایی بوده که از تأثیرگذاری متفاوتی بر روند منطقه‌گرایی انرژی برخوردار هستند (هرمان و آریل^۳، ۲۰۲۱). در جدول شماره (۱)، می‌توان این شاخص‌ها و ارزش هر یک را بر فرایند منطقه‌گرایی انرژی مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

¹ Wang

² Marchand, Boas and Shaw

³ Herman and Ariel

جدول شماره (۱) شاخص‌های منطقه‌گرایی انرژی

امتیاز	معیار	شاخص	ابعاد
۰	فاقد قواعد منطقه‌ای مشخص، اعضا براساس قواعد چندجانبه، تعهدات چندجانبه مانند سازمان جهانی تجارت با یکدیگر همکاری می‌کنند.	رسمیت نهادی	چارچوب نهادی
۱	قواعد منطقه‌ای جدید که در سطح فراملی و خصوصی مورد توافق قرار گرفته، اما مورد پذیرش دولت‌ها نیست.		
۲	قواعد و هنجارهای منطقه‌ای در توافقات و تعهدات بین دولتی مورد پذیرش قرار گرفته است.		
۳	سازمانی که همکاری‌های انرژی را مدیریت می‌کند.	ژرفای نهادی	
۰	فاقد هرگونه قواعد منطقه‌ای مخصوص		
۱	قواعدی مرتبط با تعرفه، تکرار تعهدات موجود در دیگر مجامع بین‌المللی		
۲	قواعدی که دسترسی به بازار را توسعه داده و دولت‌ها دسترسی به جریان انرژی را تسهیل می‌کنند.		
۳	قواعدی که هدف از آن‌ها ایجاد بازار مشترک یا داخلی انرژی میان طرف‌ها است. مانند استانداردهای مشترک، قواعد رقابت	زیرساخت	
۰	فاقد زیرساخت		
۱	تنوع و مقیاس زیرساختی اندک (یک منبع انرژی، گستردگی محدود)		
۲	تنوع و مقیاس زیرساختی متوسط (دو منبع انرژی و گستردگی وسیع)		
۳	تنوع و مقیاس زیرساختی بالا (بیش از دو منبع انرژی، گستردگی وسیع)	تجارت	
۰	فاقد صادرات		
۱	سهم پایین صادرات از کل صادرات (۱٪ تا ۲۵٪)		
۲	سهم متوسط صادرات از کل صادرات (۲۶٪ تا ۵۰٪)		
۳	سهم بالای صادرات از کل صادرات (۵۱٪ تا ۱۰۰٪)		
۰	فاقد واردات		
۱	سهم پایین واردات از کل واردات (۱٪ تا ۲۵٪)		
۲	سهم متوسط واردات از کل واردات (۲۶٪ تا ۵۰٪)		
۳	سهم بالای واردات از کل واردات (۵۱٪ تا ۱۰۰٪)		

منبع: هرمان و آریل، ۲۰۲۱

بررسی دقیق‌تر ماهیت منطقه‌گرایی نشان می‌دهد که این چارچوب تطبیقی نیازمند توجه به چهار مؤلفه کلیدی است. این عوامل عبارت هستند از تحول، ثروت انرژی، تنوع کنشگران و ترکیب انرژی. مؤلفه تحول

نشان می‌دهد که یک منطقه می‌تواند به انحاء گوناگون، دچار تحول شود. این عوامل می‌تواند شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی و... باشد. این تحول می‌تواند از بالا به پایین یا از پایین بالا انجام شود و می‌تواند از رخدادهای خارجی نیز تأثیر پذیرد. دومین مؤلفه، ناظر بر وضعیت انرژی طرف‌های منطقه‌ای است. در واقع به این معنا که کشورهای حاضر در یک منطقه آیا از نظر انرژی غنی هستند یا فقیر، این مهم تأثیر به‌سزایی در میزان و طیف همکاری‌های امکان‌پذیر در درون یک منطقه دارد. سومین مؤلفه؛ که ناظر بر تعدد کنشگران است، نشان می‌دهد که هرچه تعامل کنشگران با انواع متفاوتی از آن‌ها همراه باشد، سطح همگرایی در یک منطقه عمیق‌تر خواهد بود. این کنشگران شامل، دولت‌ها، کنشگران غیردولتی مانند شرکت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، کنشگران میان‌دولتی مانند سازمان‌های بین‌المللی خواهد بود. چهارمین مؤلفه؛ شامل ترکیب انرژی است. این مؤلفه، انواع تعاملات میان معاوضه کالاها و خدمات انرژی است. به‌طور مثال تجارت منطقه‌ای گاز طبیعی به زیرساخت‌ها و فرصت‌های متفاوتی در مقایسه با برق و با نفت منجر می‌شود. ترکیب انرژی، همچنین به ساختار بازار منطقه نیز ارتباط دارد. تجارت برخی از حامل‌های انرژی ارتباط تنگاتنگ و پیوسته‌ای با بسته یا باز بودن بازار منطقه دارد (هرمان و آریل، ۲۰۲۱).

با این حال باید گفت، منطقه‌گرایی انرژی از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در مناطقی که سطح بالایی از ذخایر انرژی را دارند، عموماً فرایند منطقه‌گرایی انرژی از سوی نهادهای غیردولتی و خصوصی دنبال شده است. در این کشورها عموماً فرایند منطقه‌گرایی فرایندی از پایین به بالا بوده است. در مقابل، هنگامی که فرایند منطقه‌گرایی در مناطقی که بهره‌چندانی از حامل‌های انرژی دارند، عموماً براساس انتخاب دولت‌ها صورت گرفته است. از سوی دیگر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد در کشورهایی که عدم تقارن قدرت به شکل فزاینده‌ای وجود دارد، فرایند منطقه‌گرایی انرژی نیازمند یک لنگرگاه منطقه است که عموماً یک دولت قوی و مقتدر است.

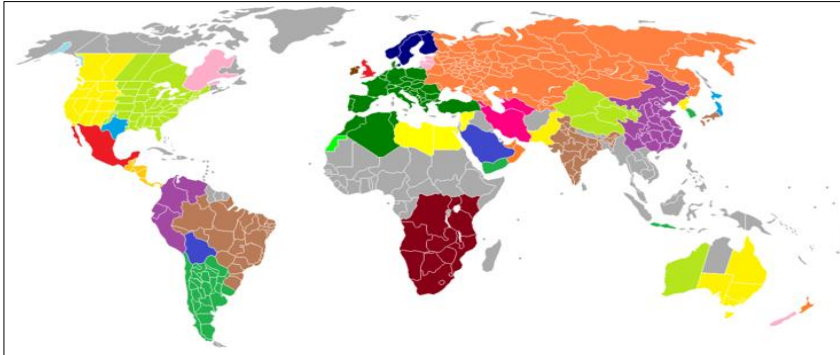
۲-۱-۳. انرژی برق و جایگاه آن در ژئواکونومی و ژئواستراتژی

«شبکه برق همزمان»^۱ عبارت است از یک شبکه برق سه فاز متصل به هم که در مقیاس منطقه‌ای یا بزرگتر تعریف می‌شود و در شرایط عادی سیستم به‌طور الکتریکی به هم متصل است همچنین این مفهوم به عنوان «مناطق متصل»^۲ نیز شناخته می‌شود. چنین شبکه‌هایی در برخی از مناطق، شبکه انتقال و توزیع برق چند کشور را به هم متصل می‌کند و این امکان را فراهم می‌کند که برق تولیدی در یک کشور، در کشوری دیگر مصرف شود. معروف‌ترین و قدرتمندترین شبکه همزمان برق، «شبکه همزمان قاره اروپا»^۳ است که مربوط به بخش وسیعی از قاره اروپا و بخش‌هایی از شمال آفریقا است که با علامت (ENTSO-E) نشان داده می‌شود. البته شبکه‌های همزمان در بین کشورهای مختلف جهان دیده می‌شود و منحصر در قاره اروپا نیست. نقشه ذیل نشانگر مناطقی است که شبکه‌های برق آنها به هم متصل شده است.

¹ wide area synchronous grid

² synchronous zones

³ synchronous grid of Continental Europe



شکل شماره (۱) مناطقی که شبکه توزیع برق آنها به هم متصل است

طبق اطلاعات منتشر شده توسط ویکی پدیا، برخی از مهمترین شبکه‌های همزمان برق به شرح ذیل است:

جدول شماره (۳) منطقه‌گرایی انرژی برق

نام	منطقه تحت پوشش	ظرفیت تولید	تولید سالانه	سال
<u>Continental Europe</u>	Managed by <u>ENTSO-E</u> . 24 European countries, serving 450 million	859 GW	2569 TWh	2017
<u>Eastern Interconnection</u>	Eastern US (except most of Texas) and eastern Canada (except Quebec and Newfoundland and Labrador)	610 GW		
<u>Indian National Grid</u>	India serving over a billion people	370.5 GW	1236 TWh	2017
<u>IPS/UPS</u>	12 countries of former Soviet Union serving 280 million	337 GW	1285 TWh	2005
<u>Western Interconnection</u>	Western US, western Canada, and northern Baja California in Mexico	265 GW	883 TWh	2015
National Interconnected System (SIN)	<u>Electricity sector in Brazil</u>	150.33 GW	410 TWh (2007)	2016
<u>Synchronous grid of Northern Europe</u>	Nordic countries (Finland, Sweden (except Gotland), Norway and Eastern Denmark) serving 25 million people.	93 GW	390 TWh	
<u>National Grid (Great Britain)</u>	Great Britain's synchronous zone, serving 65 million. Run by <u>National Grid plc</u>	83 GW (2018)	336 TWh	2017
Iran National Grid	Iran and Armenia, serving 84 million people	82 GW		2019

نام	منطقه تحت پوشش	ظرفیت تولید	تولید سالانه	سال
<u>Texas Interconnection</u>	Most of <u>Texas</u> ; the Electric Reliability Council of Texas serves (ERCOT) serves 24 million customers	78 GW	352 TWh (2016)	2018

منبع: ویکی پدیا

۲-۲. پیشینه پژوهش

جهت اختصار به برخی از مهمترین پژوهش‌های انجام شده در این حوزه در قالب جدول شماره (۳) اشاره

می‌کنیم:

جدول شماره (۳) پژوهش‌های مهم انجام شده

نتایج	عنوان مقاله	نویسنده
این مقاله به‌طور تجربی به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا ترجیحات تجاری می‌توانند به‌عنوان جایگزینی برای سیاست صنعتی مورد استفاده قرار گیرند و به کشورها در دستیابی به اهداف صنعتی خود به هزینه سایر اعضای منطقه کمک کنند. نتایج نشان می‌دهد که ترجیحات به‌دست‌آمده توسط صادرکنندگان برزیلی در منطقه بازار مشترک کشورهای آمریکای جنوبی ^۳ منجر به افزایش صادرات محصولات نسبتاً پیچیده برزیلی شده است. این نشان می‌دهد که مرکوسور به برزیل در دستیابی به اهداف صنعتی خود کمک کرده است، اما نتوانسته به صنعتی شدن اعضای کوچکتر خود کمک کند.	منطقه‌گرایی به‌عنوان سیاست صنعتی: شواهدی از مرکوسور ^۲	مونسارز، آلاراگا، وایلانت ^۱ (۲۰۱۶)
این مقاله چشم‌انداز توسعه صنعتی ارمنستان و بلاروس را در چارچوب اتحادیه اقتصادی اوراسیا بررسی می‌کند. بر اساس تئوری مقررات، این مقاله داده‌های سازمان‌های ملی، فراملی و بین‌المللی، اسناد رسمی اتحادیه رسمی اوراسیا ^۵ (EABU) و گزارش‌ها را با بینش‌های حاصل از ۱۰ مصاحبه تخصصی با سیاست‌گذاران، مشاوران سیاست‌گذاری و مشاوران مدیریت، مثلث‌سازی می‌کند. این مقاله منافع متفاوت (و گاهی متضاد) را در مورد ارتباط و ترتیب مشخص همکاری صنعتی، که پیامدهای خاصی برای کشورهای عضو کوچکتر مانند ارمنستان و بلاروس دارد، شناسایی می‌کند.	حرکت به سمت منطقه‌گرایی توسعه‌ای همکاری صنعتی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا از دیدگاه ارمنستان و بلاروس	ادر ^۴ (۲۰۲۱)
نویسندگان در این مقاله چارچوب ژئواکونومیک اتحادیه اروپا را ارائه و توسعه می‌دهد. این چارچوب با تمرکز بر موقعیت‌هایی که دولت‌ها و شرکت‌ها بر بخش‌های حیاتی اقتصاد ملی کنترل دارند، روابط بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا را تئوریزه می‌کند. ارائه یک سری ترجیحات کشورها در تعاملات فی‌مابین از	چارچوبی برای تحلیل روابط دوجانبه در اتحادیه اروپا.	ستیج و ایندربرگ ^۶ (۲۰۱۹)

¹ Moncarz, Olarreaga and Vaillant

² MERCOSUR

³ Mercado Comun del Sur (MERCOSUR)

⁴ Eder

⁵ Eurasian Economic Union

⁶ Sattich and Inderberg

نویسنده	عنوان مقاله	نتایج
		دستاوردهای اصلی مقاله است که مهمترین آنها عبارتند از: ۱) تأثیر قابل توجه جغرافیای اقتصاد اروپا بر ترجیحات سیاسی؛ ۲) مزیت‌های نسبی مورد استفاده کشورها و شرکت‌ها عضو، در شکل‌گیری اولویت‌های دولت بسیار مهم است؛ ۳) همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا تا حدی توانایی دارند که ترجیحات خود را مستقل از چارچوب اتحادیه اروپا دنبال کنند، اما این توانایی به‌طور مساوی بین کشورهای عضو و حوزه‌های سیاستی توزیع نشده است؛ ۴) موقعیت نسبی و تعبیه در جغرافیای اقتصاد اروپا تعیین‌کننده قدرت و ماهیت ابزارهای سیاسی در دسترس برای یک کشور عضو است؛ ۵) کشورهای عضو اتحادیه هنگام تصمیم‌گیری در مورد یک اقدام، ابزارهایی را انتخاب می‌کنند که چنین ویژگی‌هایی را داشته باشند: قابلیت ملی مطلق بالا، توانایی بالا نسبت به سایر کشورهای مرتبط، اثر تخریبی اندک
احمدی، ودادی، کیقبادی (۱۳۹۸)	ارائه مدل مطلوب شکل‌گیری بازار منطقه‌ای برق کشورهای عضو آکو با الگوبرداری از مدل بازار برق یکپارچه اتحادیه اروپا	در این پژوهش نویسندگان ابتدا به بررسی عمیق بازار برق یکپارچه اروپا پرداخته‌اند و براساس ایده دریافت شده از تجربه اروپا، پیشنهاد داده‌اند که برق کشورهای عضو آکو (مانند ایران، ترکیه، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان) به-هم متصل شود. نگاه غالب در این پژوهش معطوف به مسائل فنی اقتصادی بوده است.

منبع: یافته‌های نگارندگان پژوهش

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق استفاده شده در این تحقیق از نوع پنل خبرگانی^۱ بوده است. این روش در تحقیقات آینده پژوهشی و مطالعات پزشکی (مارتین و اینماکولادا^۲، ۲۰۱۱) و (کاریو و همکاران^۳، ۲۰۱۹) کاربرد زیادی دارد. روش پنل خبرگان عبارت است از در کنار هم قرار گرفتن متخصصان موضوع و گفتگو و بررسی یک موضوع خاص که بر مبنای بهترین شواهد و قضاوت‌های موجود انجام می‌شود. به عبارت دیگر روش پنل به منظور مباحثات عمیق‌تر میان خبرگان در حوزه‌های مورد بررسی، استفاده می‌شود. از مزایای آن می‌توان به دسترسی راحت به قضاوت افراد خبره و متخصص در مرکز یک پروژه پژوهشی اشاره کرد که این امر به ویژه هنگامی که با ابهاماتی در رابطه با آینده سر و کار داریم، اهمیت دارد. همچنین تعامل سطح بالا و هدفمند و شبکه‌سازی بین رشته‌های علمی و تخصص‌های مختلف از سایر مزایای پنل خبرگان است.

¹ Expert Panel

² Martín and Inmaculada

³ Kario, et al

در مورد تعداد بهینه افراد موجود در پنل، اتفاق نظری وجود ندارد و معمولاً در پژوهش‌های مختلف بین ۵ الی ۲۰ نفر ذکر می‌شود، در ترکیب پنل آنچه اهمیت دارد اینست که تخصص‌های مختلف و مرتبط با موضوع حتماً وجود داشته باشند تا پدیده مورد مطالعه از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

گام‌های اجرایی پنل خبرگان معمولاً به شرح ذیل است (قدیری ۱۳۹۸):

- گام اول: کمیته مجری تعداد حوزه‌هایی که باید برای آن‌ها پانل تشکیل شود را تعیین می‌کند.
- گام دوم: کمیته مجری، اعضا و رئیس پانل‌ها را انتخاب می‌کند.
- گام سوم: تبیین هدف از تشکیل پانل‌ها و وظایف پانل‌ها یا نحوه رسیدن به اهداف
- گام چهارم: تعیین زمانبندی جلسات پانل‌ها و برگزاری جلسات
- گام پنجم: تدوین گزارش نهایی پانل‌ها

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در نگاه اولیه، اهداف ایجاد شبکه برق همزمان، از سنخ فنی و اقتصادی است تا کشورهای مختلف بتوانند به کمک هم، پیک مصرف یکدیگر را پوشش دهند، هزینه‌های تولید را کاهش دهند، وقتی اختلالی در تولید برق منطقه‌ای یا کشوری رخ داد، به واسطه تولید در مناطق دیگر جبران شود و ... این اهداف وجود دارد و اهداف مهمی هم هستند ولی اگر از زاویه ژئواستراتژی نگاه کنیم، اهداف دیگری هم برای ایجاد چنین شبکه‌هایی متصور است. اهدافی مانند «ایجاد اتحادهای راهبردی بین کشورها» و «ایجاد تسلط و سیطره کشورهای قویتر بر منابع انرژی کشورهای همجوار». اساساً تعریف ژئواستراتژی همین است، در فرهنگ لغات (مریام وبستر^۱) ژئواستراتژی اینگونه تعریف شده است: «استفاده راهبردی دولت از ژئوپلیتیک». برژنيسکی^۲ هم که از مهمترین نظریه‌پردازان ژئواستراتژی است در کتاب «صفحه بزرگ شطرنج»^۳ این مفهوم را اینگونه تعریف کرده «مدیریت استراتژیک منافع ژئوپلیتیک».

علاوه بر منظر ژئواستراتژی، از پنجره ژئواکونومی هم می‌توان به مبادلات برق توجه کرد. ژئواکونومی که حاصل پیوند بین جغرافیا و اقتصاد می‌باشد، در پی آنست که با ایجاد تعاملات و تبادلات اقتصادی بین کشورهای مختلف بالاخص کشورهای هم‌جوار، منافع اقتصادی بالاتری را ایجاد کند، در این بین انرژی به‌عنوان یکی از محورهای مهم ژئواکونومی، پیشران مهمی برای توسعه صنعتی و پیشرفت کشورها تلقی شده و در تأمین امنیت کشورهای مبادله‌کننده و نیز کشورهای منطقه نقش مهمی ایفا می‌کند.

بنابراین شکل‌گیری «مناطق به هم پیوسته و شبکه همزمان برق» یکی از موضوعات ژئواکونومی و ژئواستراتژی است که در شکل‌گیری ائتلاف‌ها و تعاملات اقتصادی سیاسی تأثیرگذار است و اگر کشوری به لحاظ سیاسی با سایر کشورهای آن منطقه اختلاف اساسی داشته باشد سعی می‌کند از شبکه برق آنها خارج شده و خود را ذیل شبکه همزمان برق دیگری تعریف کند. رویکرد جدید اوکراین شاهدی برای این موضوع

¹ merriam Webster

² Brezhnevsky

³ The Grand Chessboard

است؛ طبق اطلاعات منتشر شده قبل از جنگ بین روسیه و اوکراین، به دلیل مشکلات سیاسی بین آن دو، اوکراین تصمیم گرفته تا سال ۲۰۲۳ شبکه برق خود را از روسیه و بلاروس جدا کرده و به شبکه همزمان اروپا متصل شود.

نکته مهم دیگری که توجه به آن ضروری است اینست که در شبکه‌های همزمان برق کشورهای که اهمیت سیاسی و اقتصادی بالاتری دارند معمولاً مشارکت بیشتری در تولید برق دارند و این باعث می‌شود در تعاملات منطقه‌ای قدرت بیشتری داشته باشند و نظرات خود را به کشورهای مجاور بقبولانند. مثلاً در شبکه همزمان قاره اروپا تولید برق توسط آلمان و فرانسه بیشتر از مصرف خودشان بوده و عملاً نقش تأمین‌کننده بخشی از برق کشورهای منطقه را ایفا می‌کنند. اطلاعات مهم مربوط به برخی از کشورهای عضو در شبکه همزمان قاره اروپا بر اساس ترازنامه انرژی سال ۱۳۹۸ که توسط وزارت نیرو منتشر شده، به شرح جدول شماره (۴) نشان داده می‌شود:

جدول شماره (۴) اطلاعات برخی از کشورهای عضو در شبکه همزمان قاره اروپا

کشور	کل تولید	میزان واردات	میزان صادرات
آلمان	۶۱۸	۴۰	۷۲
فرانسه	۵۷۰	۱۵	۷۳
روسیه	۱۱۱۸	۲	۲۰
سوئیس	۷۳	۲۹	۳۶

منبع: وزارت نیرو، ۱۳۹۸

بنابراین از زاویه نگاه ژئواستراتژی، صادرات برق و ایجاد شبکه همزمان برق، نه تنها مفید بلکه ضروری است که از دستاوردهای مهم آن - علاوه بر منافع اقتصادی - «ایجاد اتحادها، ائتلاف‌ها و پیمان‌های راهبردی» و «ایجاد ثبات سیاسی اقتصادی» بین کشورهای منطقه خواهد بود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هرچند اهمیت و منافع صادرات برق کاملاً مشهود است ولی در عین حال باید توجه داشت که تا زمانی که نیاز داخلی تأمین نشده است امکان صادرات برق فراهم نمی‌شود. علاوه بر ابعاد بین‌المللی، توسعه انرژی برق در ابعاد ملی نیز موجب تقویت قدرت ملی می‌شود. این امر به واسطه تقویت صنعت موجود و ایجاد فرصت چشم در صنایع مختلف باعث توسعه اقتصادی و تقویت رشد ناخالص ملی می‌شود. در سال‌های اخیر بالاخص سال ۱۳۹۹ متأسفانه به دلیل کمبود تولید برق شاهد قطع شدن برق برخی از صنایع به صورت بلندمدت بودیم که این کار ضربه بزرگی به اقتصاد داخلی وارد می‌آورد. قاعده کلی دیگری هم وجود دارد اینکه هر کشوری که در داخل خود به قدرت ملی بی‌توجه باشد، در بازارهای بین‌المللی نیز بازنده خواهد بود! لذا باید ابتدا برنامه‌ریزی صحیحی برای مدیریت تولید و مصرف داخلی داشته باشیم. بنابراین یافته‌های حاصل از این پژوهش و پندل خبرگان برگزار شده به دو بخش تقسیم می‌شود: الف) راهبردهایی برای اصلاحات داخلی؛ ب) راهبردهای پیشنهادی برای تعاملات بیرونی که در ادامه هریک از آنها توضیح داده می‌شود:

الف) راهبردهایی برای اصلاحات داخلی:

در این راستا پیشنهادهای ذیل برای مدیریت صحیح و اثربخش برق در داخل کشور ارائه می‌شود:

- ۱) قیمت‌گذاری هوشمند: قیمت‌گذاری نادرست برق که مانعی برای انگیزش مجموعه‌های غیردولتی برای ورود به عرصه تولید برق شده است.
- ۲) ارتقای فناوری‌های تولید و انتقال و اجتناب از اتلاف در شبکه: فرسوده بودن خطوط انتقال برق که منجر به اتلاف بخش قابل‌توجهی از برق تولیدی می‌شود ولی به‌دلیل قیمت ناچیز برق در ایران، اصلاح آن صرفه اقتصادی چندانی پیدا نمی‌کند.
- ۳) ایجاد انعطاف در ظرفیت «سبد مصرف منعطف در مصارف مستحبی»: مثلاً استخراج بیت کوین در ایامی که مازاد تولید برق داریم گزینه مناسبی بوده و بهتر است با نظارت و مجوز دولت صورت گیرد ولی وقتی میزان مصرف به اوج می‌رسد چنین کارهایی غیر ضروری است و باید کنار گذاشته شود. حتی جهت افزایش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در احداث نیروگاه‌ها می‌توان مجوز کارهایی مانند استخراج بیت کوین را به چنین شرکت‌هایی اعطا نمود.

ب) راهبردهای پیشنهادی برای تعاملات بیرونی:

- ۱) تقویت کشورهای محور مقاومت از طریق پیوندهای اقتصادی: از ابتدای انقلاب تاکنون تلاش برای به انزوا کشاندن ایران همواره وجود داشته است ولی به لطف الهی، برخی از کشورهای منطقه متوجه شده‌اند که منافع آنها در همراهی با ایران بوده لذا همسویی نسبی بین آنها شکل گرفته که به کشورهای «محور مقاومت» مشهور شده است. این کشورها از لحاظ اقتصادی و نیز از لحاظ تأمین انرژی دچار مشکلات عدیده‌ای هستند و این نگرانی وجود دارد که به واسطه مشکلات اقتصادی در کنار تحرکات برخی از کشورهای غربی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آنها، اتحاد کشورهای منطقه مقاومت متزلزل شود. حفظ و ارتقای محور مقاومت علاوه بر منافع سیاسی در منطقه و جهان، منافع اقتصادی هم برای طرفین خواهد داشت و لازم است با هوشمندی، اقدام به تقویت تعاملات اقتصادی با این کشورها نمود. یکی از راهکارهای مهم حفظ این اتحاد، ایجاد شبکه متصل برق بین این کشورها است که خود سرمنشاء تعاملات سطح بالاتری از اقتصاد می‌تواند قرار گیرد.
- ۲) ممانعت از وابسته شدن کشورهای همسایه به سایر کشورهای منطقه: تلاش‌های برخی از کشورهای منطقه برای ایجاد اتحادهای منطقه‌ای می‌تواند تهدیدهایی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند. یکی از این موارد احتمال شکل‌گیری اتحاد سه کشور عراق، مصر و اردن با عنوان «ابتکار شام جدید»^۱ است که هدف از آن «تقویت تجارت و امنیت بین سه کشور و تلاش برای یکپارچگی اقتصادی تدریجی بین آنها» عنوان شده است. این طرح اولین بار توسط نخست‌وزیر سابق عراق (الکاظمی) پس از برگشت از آمریکا مطرح شده و به نظر می‌رسد که اهداف مختلفی را در نظر دارد از جمله انگیزه

^۱ The New Levant Initiative

تأمین برق عراق توسط مصر (هدف اقتصادی) (دانیل و همکاران^۱، ۲۰۱۹). عراق به واسطه مشکلاتی که در تولید برق داشته در سالهای اخیر تلاش کرده ضمن توسعه تولید داخلی، بخشی از برق خود را از کشورهای همسایه مانند ایران، ترکیه، عربستان تامین کند که هر یک از آنها دچار مشکلات فنی یا سیاسی شده است. البته به نظر می‌رسد که تامین برق از عربستان برای عراق به لحاظ فنی و اقتصادی فاقد مشکل باشد ولی طبیعتاً عراق دوست ندارد همواره زیر یوغ عربستان باشد لذا به سمت مصر تمایل پیدا کرده است. البته اهداف این طرح صرفاً منحصر به موضوعات اقتصادی نمی شود، اهداف و اغراض سیاسی ایالات متحده نیز در آن دیده می‌شود. مثلاً طبق تحلیل انجام شده توسط سایت irqnow.com اهدافی مانند جداسازی عراق از ایران، لبنان و سوریه یعنی جداسازی عراق از محور مقاومت (هدف سیاسی)، و نیز ایجاد اتحاد جدید منطقه‌ای که امکان نفوذ آمریکا در آن زیاد باشد (هدف سیاسی)، از اهداف این طرح ذکر شده است.^۲



شکل شماره (۲) منطقه شام جدید که موضوع انرژی و تأمین انرژی برق عراق از انگیزه‌های شکل‌گیری آن عنوان شده

(۳) طرح‌های اقتصادی مکمل: بهتر است برق به‌عنوان یک مزیت در شکل‌گیری اقتصاد مکمل یا یک ماژول از بسته جامع اقتصادی در نظر گرفته شود و پیشرانی برای شکل‌گیری همکاری‌های اقتصادی منطقه باشد. هرچند در پیشنهاد‌های قبلی به سودمندی صادرات برق اشاره کردیم، ولی همین صادرات می‌تواند برای تأمین نیازهای راهبردی باشد یا به واسطه هوشمندسازی می‌توان سطح راهبردی بودن آن را ارتقا داده و به یک تعامل اقتصادی راهبردی و بلندمدت تبدیل نمود. جهت توضیح بیشتر مثالی را عنوان شده است:

- کشور ایران در منطقه نیمه خشک قرار دارد و در تأمین مایحتاج کشاورزی خود با مشکل آب مواجه است لذا همواره در مواردی مانند نهاده‌های دامی، دانه‌های روغنی و ... مشکل داشته است که این مشکل به عرصه دامداری هم تسری پیدا کرده به طوری که در تأمین گوشت قرمز مورد نیاز کشور در سال‌های اخیر دچار اختلال شده است. در مقابل کشور عراق از زمین‌های حاصل خیز و آب فراوان برخوردار است ولی از آنجایی که کشاورزی مدرن هم در مراحل مختلف

¹ Daniel, et al

² <https://irqnow.com/new-levant-initiative/>

کشت و داشت و هم در مرحله برداشت و نگهداری محصولات نیازمند برق می‌باشد (مانند نیاز به سردخانه و ...)، کشور عراق به دلیل کمبود برق نمی‌تواند اقدام به توسعه مجموعه‌های بزرگ کشاورزی نماید. حال اگر یک سری همکاری‌های راهبردی بین ایران و عراق شکل بگیرد که «مجموعه‌های بزرگ کشت و صنعت» ایجاد شود برای هر دو کشور مفید خواهد بود. عراق می‌تواند زمین، آب و نیروی کاری را تأمین کند و ایران هم می‌تواند برق را تأمین نماید. البته مزیت‌های ایران منحصر به برق نمی‌شود و در کنار برق مورد نیاز کشاورزی، می‌تواند کود شیمیایی مورد نیاز و خدمات فنی مهندسی برای مکانیزه کردن کشاورزی را هم صادر نماید.

- توسعه معادن افغانستان که وابسته به برق است: ارزش تقریبی معادن شناخته شده افغانستان بیش از هزار میلیارد دلار تخمین زده شده است. طبیعتاً برای استخراج آن نیاز به برق فراوانی است که شرایط داخلی آن کشور امکان تأمین برق را فراهم نمی‌کند. ایران می‌تواند در یک تعامل ژئواستراتژیک با آن کشور، ضمن تأمین برق، با صادرات خدمات فنی مهندسی اقدام به همکاری راهبردی در توسعه و بهره‌برداری از آن معادن را فراهم کند.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- احمدی، معین؛ ودادی کلانتر، سعید و کیقبادی، مهدی. (۱۳۹۸). *ارائه مدل مطلوب شکل‌گیری بازار منطقه‌ای برق کشورهای عضو اکو با الگوبرداری از مدل بازار برق یکپارچه اتحادیه اروپا*. تهران: پژوهشکده مطالعات فناوری: اندیشکده حکمرانی انرژی و منابع ایران.
- حسین پور پویان، رضا. (۱۳۸۵). *تحلیل و بررسی هژمونی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با جمهوری آذربایجان با واقعیت‌های ژئوپلیتیک، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)* دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- قدیری، روح‌الله. (۱۳۹۸). *بررسی و شناخت روش‌های مطالعه آینده، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی*.
- کولایی، الهه و سازمند، بهاره. (۱۳۹۳). *جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی نوین در شرق آسیا، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۰(۳۳)، ۱۴۰-۱۵۹*.

منابع لاتین

- Choudhury, R. G. (2021). An overview of the Belt and Road Initiative (BRI): Implications in geo-strategy and geopolitics. *International Journal of Business and Economic Development (IJBED)*, 9(1). Daniel, E., Andrew, P., Ch P., R & D, W. (2019). *Estimating the Economic Benefits of Levant Integration*. Santa Monica, CA: RAND Corporation.
- Eder, J. (2021). Moving towards developmental regionalism? Industrial cooperation in the Eurasian Economic Union from an Armenian and Belarusian perspective. *Post-Communist Economies*, 33(2-3), 331-358.
- Furness, M., & Keijzer, N. (2022). *Europe's Global Gateway: A new geostrategic framework for development policy?* (No. 1/2022). Briefing Paper.
- Grygiel, J. J. (2007). *Great powers and geopolitical change*. JHU Press.
- Herman, L., & Ariel, J. (2024). Comparative energy regionalism: North America and the European energy community. *Review of Policy Research*, 41(2), 382-404.
- Kario, K., Shin, J., Chen, C. H., Buranakitjaroen, P., Chia, Y. C., Divinagracia, R., ... & Wang, J. G. (2019). Expert panel consensus recommendations for ambulatory blood pressure monitoring in Asia: the HOPE Asia Network. *The Journal of Clinical Hypertension*, 21(9), 1250-1283.

- Kim, J., & Raswant, A. (2022). *International business and security: Geostategy in perspective*. Springer Nature.
- Marchand, M. H., Boas, M., & Shaw, T. M. (1999). The political economy of new regionalisms. *Third World Quarterly*, 20(5), 897-910.
- López Martín, I., Blanco Fernández, A., Pagán Marín, R. M., Gazapo Andrade, B., De Arana Del Valle, J. M., Juanas, P., ... & Martínez Pascual, B. D. A. D. V. (2011). Qualitative study of college tutoring through the expert panel method. *Higher Learning Research Communications*, 4(1), 6.
- Moncarz, P., Olarreaga, M., & Vaillant, M. (2016). Regionalism as industrial policy: Evidence from MERCOSUR. *Review of Development Economics*, 20(1), 359-373.
- Sattich, T., & Inderberg, T. H. J. (2019). EU geoeconomics: A framework for analyzing bilateral relations in the European Union. *JCMS: Journal of Common Market Studies*, 57(3), 502-514.
- Wang, Y. (2020). New regionalism reshaping the future of globalization. *China Quarterly of International Strategic Studies*, 6(02), 249-265.